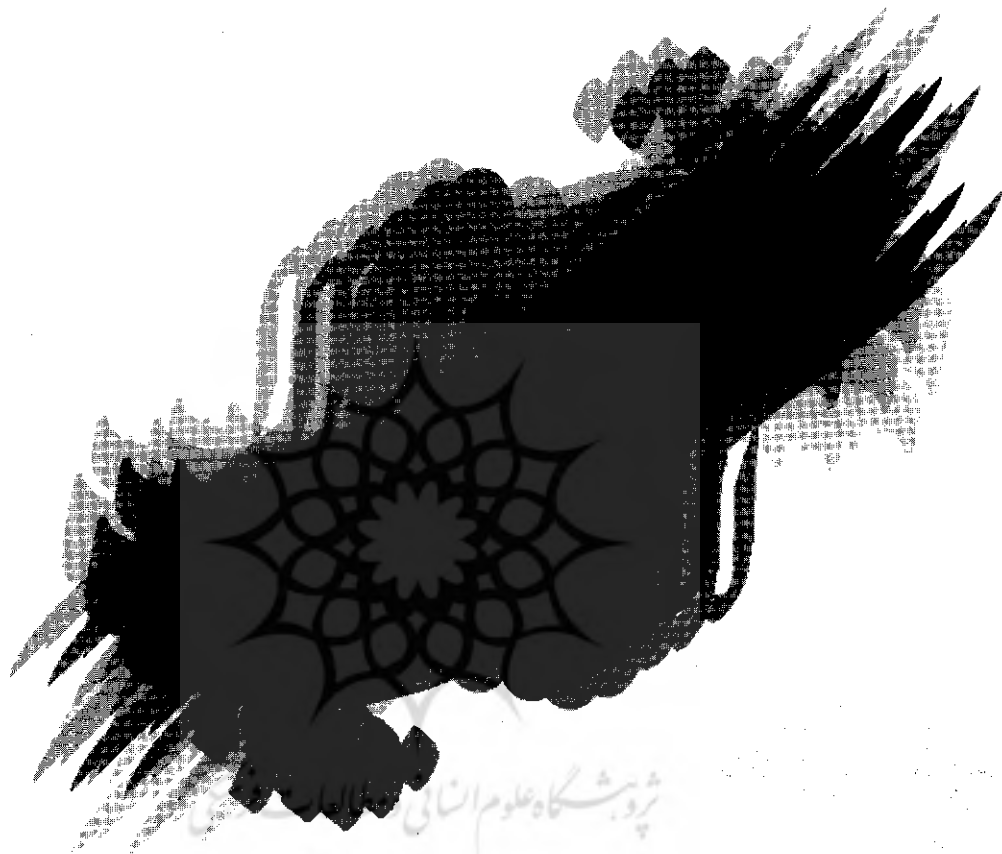


مذکرات

پروفیسر شاکر علی خان اور دیگر محققین کی مقالات و مضامین

پرتال جلال





پژوهشگاه علوم انسانی
پرتال جامع علوم انسانی

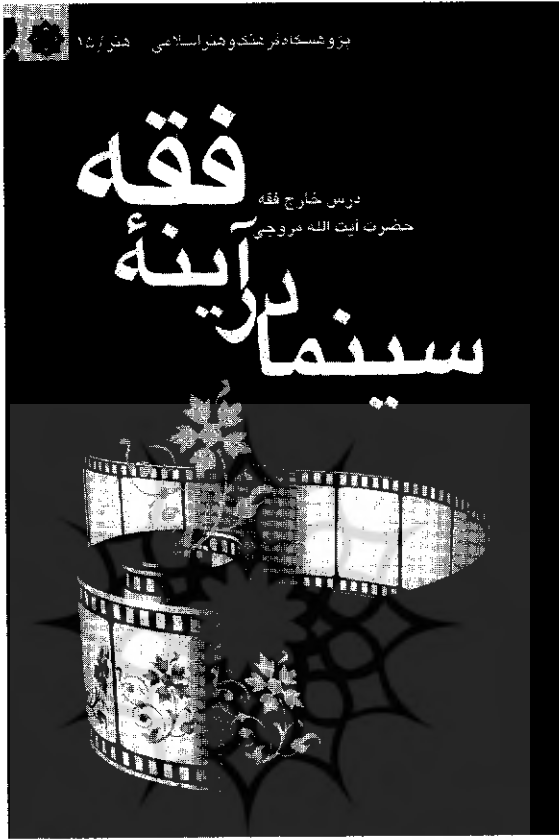
نگاه به کتاب سینما در آئینه رفه

A Review of Cinema in the Mirror of Figh

هاجر کمالی

فقه در سینه سینما

درس خارج فقه
حضرت آیت الله مروجی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

زندگی آدمیان و به تبع آن مسلمانان در پی بروز پدیده‌های مختلف و جدید در عرصه‌ی حیات، دستخوش تحولات نوینی شده است. این تحولات نوین که عمدتاً در حوزه‌ی عمل اجتماعی و کیفیت تعامل آدمیان تاثیرگذار گشته، سبب بروز پدیده‌های جدیدتری در عرصه‌ی روابط حقوقی و قانونی شده است؛ تحولاتی که در حوزه‌ی رفتاری مسلمانان در قالب فقه اسلام و قوانینی تحت تابعیت شریعت اسلامی قابل شکل‌گیری است. البته بخش زیادی از آن‌چه حوزه‌ی عمل انسانی را در اجتماع تعیین می‌کند وارد قوانین اجتماعی نمی‌شود، بلکه به روابط میان انسان مؤمن و خداوند و روابط میان مؤمنان برمی‌گردد که بسیاری از آنان به معنای اجتماعی و حقوقی قانون‌پذیر نیستند ولی به معنای فقهی و شریعت و روابط ایمانی تحت چهارچوب‌های دینی قرار می‌گیرند و اتفاقاً ضمانت اجرا و پیوستگی و همانندی بیش‌تری نسبت به قوانین فرآوری‌شده توسط انسان‌ها دارند.

آن‌چه در مباحث فقه به عنوان تعیین‌کننده‌ی حوزه‌ی عمل رفتار مسلمانان به عنوان مباحث جدید مطرح می‌شود، عنوان «مستحدثه» را می‌یابد که در طول تاریخ اسلام و فقه پویا و اجتهاد تشیع کم نبوده است. هرچند پس از مدتی این مباحث مستحدثه در مباحث فقهی جای خود را باز کرده، مباحث جدیدتری عنوان مستحدثه را به خود می‌گرفته است. یکی از این موضوعات جدید

که وارد دنیای فقه و فقهات شد و به عنوان یکی از مسائل مستحدثه مورد بحث و گفت‌وگوی جدی قرار گرفت، موضوع سینما به عنوان هنر هفتم است.

آیت‌الله مروجی، از استادان برجسته‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم که درس خارج فقه خود را به موضوعات هنری اختصاص داده بودند، به بررسی مستحدثات در حوزه‌ی هنر پرداختند که از جمله‌ی این مباحث سینما بوده است. حجه‌الاسلام والمسلمین محمدرضا جباران به تقریر و تفسیح این مباحث پرداخته و کتاب ارزشمند **سینما در آیینه‌ی فقه** را به خوانندگان و پژوهشگران و هنرمندان تقدیم داشته است.

نویسنده‌ی محترم با ذکر مقدمه‌ای کوتاه در خصوص چگونگی و ضرورت طرح این مسئله در فقه تشیع، به خاطر بهره‌مندی‌های گوناگون و اغلب واژگونه و غیراخلاقی که از این هنر بسیار مهم و تاثیرگذار جهانی می‌شود و با توجه به ورود، تاثیر و تحمیل خواه ناخواه این هنر بر زندگی بشری، یادآور می‌شود با وجودی که سینما در ایران قبل از انقلاب اسلامی نماد ابتذال اخلاقی و تعارض میان مردم دیندار و حاکمیت دین ستیز بود، اما واقعیت سینما و بهره‌مندی‌های مثبت و اخلاقی و اجتماعی از آن در ذاتش بوده و جداشدنی نیست. به همین دلیل، پس از مدتی سینما و فیلم جزء جدایی‌ناپذیر زندگی در عصر حاضر شده است. از این رو، علمای اسلام و فقیهان شیعه نیز به بحث و بررسی درباره‌ی این پدیده و حوزه‌های تعارض و یا هماهنگی آن با اسلام پرداخته‌اند؛ چرا که عناوین ذیل عنوان سینما و نمایش در گذشته‌ی اسلامی وجود نداشته و در آیات و روایات دلایل آشکاری بر رد و تایید آن نداریم. به همین دلیل، مجتهد باید در این مسیر به سراغ ادله‌ی اجتهادی برود تا بر اساس آن بتواند مباحث جدید را استنتاج کند.

نویسنده در مقدمه به عناصر متشکله‌ی یک فیلم، از جمله موضوع، ساختار و گفت‌وگوها اشاره می‌کند و با توجه به این که عمده‌ی داستان‌های سینمایی معطوف به خیال‌پردازی فیلم‌نامه‌نویس است و حتی فیلم‌هایی که مستند به واقعیت‌اند نیز دارای تفاوت‌های اساسی با اصل ماجرا هستند، و تعارضاتی را که به نظر می‌رسد سینما با مبانی اسلامی دارد مورد بررسی قرار می‌دهد و ذیل

عنوان‌هایی مانند: ۱. دروغ، ۲. غیبت، ۳. تحریف، ۴. اختلاط زن و مرد و زوجیت فرضی، ۵. تشبیه به معصومان (ع)، و ۶. تشبیه به جنس مخالف، می‌آورد.

۱- دروغ

استاد ضمن توضیح واژه‌ی «دروغ» به عنوان گفتاری بر خلاف واقع که گوینده در مقام بیان واقع می‌گوید، متذکر می‌شود که گفت‌وگوهای بازیگران در حال اجرای نقش چون در مقام بیان واقع نیست به دروغ تلقی نمی‌شود، چرا که گفتار بازیگران در حال نمایش مبتنی بر فرض است و گوینده و شنونده هر دو می‌دانند که ناظر به واقع نیست و بر فرض که مصداق سخن دروغ باشد، حکم دروغ را ندارد؛ به اضافه‌ی این که ادله‌ی حرمت دروغ شوخی نیز شامل آن نمی‌شود.

۲- غیبت

در مورد اجرای نمایش که بازیگر باید اعمال و حرکات گروه خاصی را تقلید و اجرا کند و یا با لهجه‌ی منطقه‌ای خاص سخن بگوید، این تقلید به نظر می‌رسد که مصداق غیبت و عیب‌جویی و اهانت و استهزاء تقلیدشدگان را داشته باشد.

اما نویسنده غیبت را از دیدگاه روایت‌ها و اهل لغت و عرف با بحث نسبتاً مبسوطی بررسی کرده و نتیجه می‌گیرد که بیان عیوب پوشیده‌ی آدمیان و یا اهالی یک شهر و منطقه معلوم نیست که موضوع غیبت باشد و بعضی از موارد تقلید لهجه عیب نیست و بر فرض که عیب باشد، عیب آشکار است و غیبت محسوب نمی‌شود. ولی اگر بیان حالتی با لهجه موجب تحقیر و اهانت به طایفه‌ای باشد و یا موجب اذیت آن‌ها و یا استهزاء جمعی باشد، حرام است و در آن صورت تقلید لهجه نیز حرام است.

۳- تحریف

نویسنده بعد از تقسیم تحریف کلام به سه صورت: ۱. جابه‌جایی کلمات، ۲. تغییر الفاظ، ۳. افاده‌ی معنی خلاف حقیقت آن، تحریف و تغییری را که به واسطه‌ی فیلم و نمایش انجام می‌شود، به دو صورت بیان می‌کند: ۱. اگر نویسنده درصدد بیان واقعیت باشد و بیننده آن را تمام

واقعیت بداند، در این صورت تحریف توسط نویسنده و یا فیلم ساز موجب تغییر معنی می شود و بدون شک حرام است.

۲. نویسنده ی فیلم نامه می خواهد بر اساس یک گزارش و یا داستان تاریخی، چیزی از خود بنویسد و ببیند می داند که نویسنده چیزی متفاوت با داستان اصلی نوشته و اساساً عرف کار فیلم نامه نویسی چنین است، که در این صورت بدون اشکال است؛ ولی چنان چه عرف چنین نباشد و نویسنده و فیلم ساز آن را اعلام نکنند، مشمول تحریف واقعیت می شود و حرام خواهد بود.

۴. اختلاط زنان و مردان و زوجیت فرضی

استاد مروجی در ادامه ی مطالب خود، به مسئله ی اختلاط زنان و مردان و زوجیت های فرضی تحت عنوان های زیر می پردازد: ۱. اختلاط زن و مرد؛ ۲. شنیدن صدای نامحرم؛ ۳. نگاه به نامحرم؛ و ۴. زوجیت فرضی.

این چهار مسئله جزء مستلزمات نمایش و فیلم است؛ یعنی ساختن فیلم بدون نگاه کردن و شنیدن صدای نامحرم و بدون اختلاط زن و مرد و فرض زناشویی غیر ممکن است؛ ولی سایر امور از قبیل لمس بدن، بوسیدن نامحرم و غیره که در هنر فیلم سازی جهان رایج است ولی لازمه ی این هنر نیست، حرمت آن آشکار و از محل بحث ما خارج است.

در مورد مسئله ی اول، باید گفت بدون شک اجتماع زنان و مردان از نظر شرعی جایز است و سیره ی زمان شارع نیز چنین بوده که مردان و زنان مسلمان در بازار، مسجد و میدان اجتماع داشته اند. بنابراین، در خصوص اصل جواز حضور زنان بحثی نیست، اما بر اساس یک حکم تنزیهی و به مصداق آیه ی شریفه ی «قَرْنَ فِی بُیُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَةِ الْأُولَى» (سوره ی احزاب، آیه ی ۳۳)، زن بهتر است از حضور در مجامع بدون دلیل بپرهیزد؛ البته این آیه در خصوص زنان پیامبر (ص) است که توصیه به نشستن در منزل را می کند و خروج بدون مصلحت را مکروه می داند. ولی در صورتی که خروج به منظور کاری باشد که مصلحتش از ماندن در خانه بیش تر است، نه تنها مکروه نیست بلکه ممکن است به تبع آن مصلحت مستحب یا واجب نیز باشد. بنابراین، خروج از منزل و اختلاط زن و مرد برای ساختن فیلم (بدون ارتکاب رفتارهای تبرج آمیز)

به مقتضای سیره ی متشرعه و رفتار مؤمنان اشکالی ندارد. نویسنده با اشاره به مسئله ی شنیدن صدای نامحرم، تاکید می کند صدای زن نامحرم اگر همراه با لذت و یا خوف وقوع در فتنه باشد، طبق اجماع، بر مردان حرام است و اگر بدون لذت و خوف فتنه باشد، محل بحث فقیهان قرار گرفته است.

سومین مسئله در بحث اختلاط زنان و مردان موضوع نگاه کردن به نامحرم است که در چهار فرع: ۱. نگاه کردن مرد به زن نامحرم، ۲. نگاه کردن زن به مرد نامحرم، ۳. میزان وجوب پوشش بر زن، و ۴. میزان وجوب پوشش بر مرد تفکیک شده است.

در موضوع نگاه کردن به زن نامحرم، اندام زن به دو بخش ۱. دست و صورت و ۲. سایر اعضای بدن تقسیم می شود. در مورد سایر اعضای بدن همه ی فقیهان اجماع دارند که نگاه کردن به آن ها در هر صورت حرام است، خواه با لذت خواه بدون لذت.

در مورد دست ها و صورت نیز اجماع فقها بر آن است که نگاه به قصد ریه و لذت قطعاً حرام است و در مورد بدون قصد ریه نیز عده ای قائل به حرمت و عده ای قائل به جواز و عده ای نگاه اول را جایز و تکرار آن را حرام دانسته اند.

در این بخش، استاد ضمن ایراد بحثی بسیار مبسوط، شق های مختلف و دیدگاه های متفاوت و دلایل فقیهان را به طور مشروح ذکر می کند.

۱-۴. مفهوم لذت شهوی

در صفحه ی ۷۴ کتاب یاد شده، استاد ضمن توضیح در خصوص تعریف مفهوم «لذت»، نگاه کسی را که با نگاه کردن به نامحرم لذت شهوی ببرد، به اجماع همه ی علما حرام دانسته است چه نگاه به دست و صورت باشد چه نگاه به عضوی دیگر. منظور از «ریه» نیز ممکن است یکی از سه مورد زیر باشد: ۱. نگاهی که مقدمه ی عمل باشد؛ ۲. نگاهی که موجب خطور افکاری در ذهن باشد؛ و ۳. نگاهی که موجب التهاب و اضطراب نفس شود.

۲-۴. حکم نگاه با واسطه

در صفحه ی ۷۹ کتاب، بحث نگاه با واسطه به نامحرم مطرح می شود زیرا در مواردی نگاه با واسطه حرام است. نگاه با واسطه با وسایلی نظیر آینه، دوربین، آب صاف،





تصاویر عکس برداری شده یا فیلم برداری شده و از پشت شیشه چگونه است؟

طبیعی است که نگاه از پشت شیشه حکم بی واسطه را دارد. در سایر موارد، موضوع نگاه به آینه و فیلم های زنده و مستقیم از همه مهم تر است. این مسئله از موارد مستحذنه و بسیار مورد اختلاف است. مرحوم نراقی در کتاب **مستند الشیعه** قائل به جواز است و ظاهراً آن چه را مستقیم نمی شود نگاه کرد، در آب و آینه می شود دید. آیت الله اراکی نیز نگاه به عکس ها و فیلم های تلویزیونی را جایز دانسته اند؛ اما سید محمد کاظم یزدی در کتاب **مهم عروه الوثقی** نگاه به نامحرم را در آب و آینه تحریم کرده است و همه ی کسانی که حاشیه بر **عروه** دارند با این نظر او موافق اند. بنابراین، اصل نگاه کردن با نظر شهری مستقیم یا با واسطه تفاوتی ندارد، ولی در مورد عکس و فیلم و تلویزیون، اگر صاحب عکس را نشناسیم نگاه جایز است، چرا که عکس انسان در تلویزیون مثل عکس بر روی کاغذ است و ادله ی حرمت از چنین مواردی انصراف دارد. باید توجه داشت در فیلم تلویزیون فرقی میان مستقیم و غیر مستقیم نیست، اما آن چه منظور از جواز نگاه است نگاه مشروط به عدم لذت و ریبه است.

۳-۴- حکم وصل کردن مو به موی زن

این بحث در کتاب های فقهی، زیر عنوان «وصل الشعر» آمده و مشتمل بر مباحث و فروعاتی است. موی اضافی دو قسم است: ۱. موی انسان، خواه موی مرد باشد یا زن؛ ۲. موی غیر انسان، خواه طبیعی و یا از حیوانات و یا مصنوعی باشد. در خصوص موی انسان، این سؤال مطرح است که آیا بریدن موی سر انسان و وصل آن به موی سر شخص دیگر جایز است یا خیر؟ و در صورت وصل موی سر زنی بر زن دیگر، آیا واجب است آن را بپوشاند و آیا نگاه کردن بر مردان نامحرم حرام است یا نه؟

مرحوم سید محمد کاظم یزدی در **عروه الوثقی** معتقد به جواز وصل مو است و نگاه به آن برای شوهر آن زن مجاز است، اگر چه مکروه و احتیاط در ترک آن است. اما در این میان، آیت الله بروجردی و امام خمینی به این فتوا اشکال کرده و قائل به وجوب احتیاط شده اند و آیت الله خوبی نیز همین نظر را پذیرفته هر چند در اواخر عمر، قائل به جواز آن بوده است، با توجه به این که در فتوای

مختلف، دلیلی بر حرمت نداریم و آن چه در روایت ها آمده عمدتاً مشعر به مفهوم کراهت است، اصل بر جواز است و نتیجه این که وصل مو به موی زن اگر برای فریبکاری نباشد، جایز است.

۴-۴- حکم نامحرم به موهای اضافی

بی شک بر زن واجب است موی سر خود را از دید نامحرم بپوشاند و نگاه کردن به موی زن نامحرم بر مردان حرام است. حال آیا دیدن موی اضافی یا همان کلاه گیس نیز همانند موی خود زن حرمت در رویت و وجوب در پوشش دارد؟

سید محمد کاظم یزدی در **عروه الوثقی** قائل به وجوب پوشش و حرمت در رویت است و مرحوم آیت الله خوبی فرموده اند ستر آن واجب نیست و پوشیدنش به احتیاط نزدیک تر است ولی در صورتی که موی اضافی جزء زینت زن شمرده شود، پوشیدنش واجب است؛ این در حالی است که مرحوم کاشف الغطا نیز صریحاً حکم به وجوب پوشش داده است. ولی حق مطلب این است که اگر موی اضافی بعد از وصل شدن جزء بدن شمرده شود. یعنی موی خود زن به حساب آید پوشیدنش واجب و نگاه کردن به آن حرام می شود و اگر جزء زینت نباشد، پوشیدن آن واجب نیست و نگاه به آن جایز است، چون دلیلی بر وجوب پوشش و حرمت نگاه کردن نداریم.

۴-۵- حکم نگاه کردن به زنان اهل ذمه

یکی از مباحث جدی بحث زنان اهل ذمه است. منظور از اهل ذمه اقلیت های مذهبی مانند مسیحیان و یهودیان و زرتشتیانند که باتوجه به این که پوشش را بر زن واجب نمی دانند، زنان آن ها مشمول احکام نگاه کردن نمی شوند. لازم به ذکر است منظور از نگاه، نگاه بدون ریبه و لذت است و گرنه حتی در مورد اهل کتاب هم اگر نگاه با ریبه و لذت باشد، حرام است. دوم آن که محل بحث در این جا غیر از دست و صورت است، چرا که نگاه به دست و صورت زنان مسلمان نیز جایز است و البته فقیهانی هم که نگاه کردن به دست و صورت زن مسلمان را جایز نمی دانند، نگاه کردن به دست و صورت زنان اهل کتاب را جایز می دانند.

در مورد نگاه بدون لذت و ریبه به غیر دست و صورت زنان اهل کتاب، مرحوم شیخ مفید در **المقنعه** (ص

۵۲۱)، شیخ طوسی در **النهایه** (ج ۲، ص ۳۵۵)، محقق حلّی در **شرایع** (ج ۲، ص ۲۶۹)، علامه‌ی حلّی در **قواعد** (ج ۳، ص ۶) و شهید اول و شهید ثانی در **لمعه‌الدمشقیه** (ج ۵، ص ۹۸) و همچنین محقق صاحب **جواهر** و صاحب **حدائق** قائل به جواز شده. و این قول را قول مشهور دانسته‌اند. ولی ابن‌ادریس در کتاب **سرایر** (ج ۲، ص ۶۱۰) و علامه در **مختلف** آن را تحریم کرده‌اند و ظاهر کلام فاضل هندی در **کشف‌الغمام** نیز تحریم است.

۴.۶.۴. ادله‌ی حرمت

۱. آیه‌ی **غُضِّ** که به طور مطلق مؤمنان را از نگاه کردن منع کرده، که این اطلاق شامل زنان غیرمسلمان هم می‌شود. ۲. آیه‌ی ۸۸ سوره‌ی **حجر** پند می‌دهد که به نعمت‌هایی که به بعضی از مردمان کافر داده‌ایم، چشم ندوز و به حال ایشان اندوهناک نباش. قائلان به این قول همه‌ی اخباری را که در این زمینه دلالت بر جواز دارند، رها می‌کنند، اما سند اکثر آن‌ها خدشه‌پذیر است.

۴.۷.۴. ادله‌ی جواز

قائلان به جواز برای اثبات نظر خویش به دو دلیل تمسک کرده‌اند:

۱. زنان اهل کتاب به منزله‌ی کنیزند که این قول را کلینی در **کافی** (ج ۵، ص ۳۵۸) و **وسائل‌الشیعه** (ج ۲۰، ص ۵۴۵) آورده است. از مطالبی که در این باب است چنین برمی‌آید که اهل کتاب بندگان مسلمانان نیستند و بر فرض که چنین باشند، نگاه کردن به کنیزی که ملک مشترک مسلمانان است، جایز نیست. پس این دلیل برای اثبات مدعا کافی نیست.

۲. اخباری بیان می‌کند که نگاه کردن به مو و دست‌های زنان اهل کتاب حرام نیست و این قول در **کافی** (ج ۵۲۴) در **وسائل** (ج ۲۰، ص ۲۰۵) آمده است. حاصل مطلب این است که نگاه کردن به زنان اهل ذمه اشکال ندارد. اما به طریق اولی، زنان کافری که در پناه اسلام نیستند نیز شامل این جواز می‌شوند.

شایان ذکر است نگاه کردن به زنان ذمی و کافر در صورتی جایز است که خالی از لذت و ریبه باشد. از کتاب **جواهر** استفاده می‌شود که این شرط، اجماعی است، یعنی فقیهان در آن اجماع دارند اما این که به چه قسمت‌هایی از بدن آن‌ها می‌توان نگاه کرد شش فرض وجود دارد:

۱. فقط نگاه به دست و صورت جایز است؛

۲. نگاه به دست و صورت و موها جایز است؛

۳. به تمام قسمت‌هایی که اهل کتاب در عصر تشریح، یعنی زمان اثمه (ع) عادت به پوشیدن آن نداشته‌اند، می‌توان نگاه کرد؛

۴. در هر زمان، به تمام قسمت‌هایی که عادت به پوشیدن آن ندارند، می‌توان نگاه کرد؛

۵. نگاه به تمام بدن ایشان، غیر از عورتین، جایز است؛

۶. نگاه به تمام بدن ایشان، حتی عورتین، جایز است.

اما کدام صورت قابل اثبات است:

صورت یکم: هیچ یک از فقیهان این وجه را اختیار نکرده‌اند، چون به نظر می‌رسد این وجه به هیچ دلیلی مستند نیست.

صورت دوم: این وجه بین فقها مشهور است و همه آن را جایز دانسته‌اند.

صورت سوم: مستند این وجه این است که هر چند در روایت‌ها فقط از سر و دست و موی نام برده شده است، ولی این سه عنوان هیچ خصوصیتی ندارند و تنها برای اشاره به اعضا و مواضعی که ایشان در زمان‌های گذشته نمی‌پوشیدند، آمده‌اند.

صورت چهارم: این وجه هم فقط برای اشاره به اعضای است که ایشان به پوشیدن آن عادت ندارند و فرقی میان عصر تشریح و زمان‌های دیگر نیست.

صورت پنجم: مستند این وجه آن است که اهل کتاب از جهت نگاه کردن حرمتی ندارند و می‌توان به همه‌ی بدن ایشان نگاه کرد و استثنای عورتین به این دلیل است که شارع مقدس راضی نیست مسلمان به عورت کسی نگاه کند.

صورت ششم: همان دلیل صورت پنجم است، افزون بر این که ارتکاز اهل شرع در این جا کاشف از دلیل شرعی و قول معصوم نیست. به همین دلیل، نگاه به عورت ایشان هم جایز است. برای اثبات این وجه به دو روایت استدلال شده که کلینی در **کافی** (ج ۶، ص ۵۰۱) و صدوق در **وسائل‌الشیعه** (ج ۲، ص ۳۵) آورده‌اند که نگاه به عورت کسی که مسلمان نیست مثل نگاه به عورت الاغ است. تعدادی از فقیهان از جمله صاحب **حدائق** نقل کرده که مرحوم حر عاملی در **بدایه‌الهدایه** حکم به جواز کرده است. مرحوم



خوبی در حاشیه‌ی عروه الوثقی احتیاط کرده ولی در تنقیح فرموده است که این قول خالی از قوت نیست. مرحوم مجلسی اول نیز اگرچه خود فتوی به جواز نداده، ولی از جماعتی از فقیهان که قائل به جواز شده‌اند، نقل کرده است.

آن چه به نظر می‌رسد این است که هر چند نگاه به همه‌ی اعضای بدن زن کافر جایز است، ولی اعضای بدن در این مسئله دارای یک حکم نیستند؛ بلکه اعضای را که نام آن‌ها در روایت وارد شده یا از روایت استفاده می‌شود، بدون هیچ قیدی می‌توان نگاه کرد، ولی سایر اعضا را فقط در صورتی می‌توان نگاه کرد که ایشان عادت به پوشیدن آن نداشته باشند.

۸۴. نگاه به زنان بی بندوبار و زنان روستایی و صحرائشین

زنانی که از روی بی بندوباری و بی‌مبالاتی حدود پوشش اسلامی رارعايت نمی‌کنند، یا زنان صحرائشین و روستایی که از روی بی‌اطلاعی از احکام پوشش، خود را نمی‌پوشانند یک حکم دارند؛ یعنی اگر نگاه جایز باشد به هر دو صنف جایز است و گرنه حرام است. مرحوم سید یزدی در عروه الوثقی در جواز نگاه به این زنان اشکال کرده و همه‌ی حاشیه‌نویسان عروه الوثقی در این مسئله با وی موافقت کرده‌اند. قبل از ایشان، مرحوم محقق قمی در جامع الشتات (ص ۴۲۴) نه تنها نگاه به این زنان را تحریم کرده، بلکه رفت و آمد به جاهایی را که محل رفت و آمد آن‌ها است از باب مقدمه‌ی حرام منع کرده است.

اما به نظر می‌رسد این گونه زنان همگی حکم زنان اهل کتاب را دارند چون با زنان مؤمن فرق دارند و فرقی همان است که امام صادق (ع) در مورد زنان اهل ذمه فرمود که اگر نهی‌شان کنی، نخواهند پذیرفت. اما تذکر این نکته ضروری است که بدون شک نگاه این زنان در صورتی جایز است که همراه با لذت و ریه نباشد.

۹۴. نگاه زن به مرد نامحرم

نگاه زن به مرد نامحرم اگر همراه با لذت و ریه باشد به دلیل اجماع، ضرورت فقه و قیام سیره، حرام است. اما برای نگاهی که بدون لذت و ریه باشد، به چهار دلیل استدلال شده است: ۱. اجماع ۲. آیه‌ی کریمه‌ی غض ۳. اخباری که بر حرمت نگاه کردن دلالت دارند و ۴. اخبار خاصی که در

مورد نگاه کردن به نامحرم وارد شده است. نگاه زن به مرد نامحرم اگر خالی از لذت و ریه باشد، برحسب موضعی که به آن نگاه می‌کند سه صورت دارد: الف) نگاه به صورت بنا بر اجماع، جایز است و نیازی به استدلال ندارد. ب) نگاه به اعضا و موضعی که در عرف اسلامی پوشیدن آن‌ها رسم نیست، مثل سر، گردن، دست‌ها و پا جایز است، چون دلیلی بر حرمت آن‌ها نداریم، بلکه سیره‌ی متدینان پرهیز از آن است. پ) نگاه به اعضا و موضعی که در عرف اسلامی پوشیدن آن‌ها رسم است، مثل ران، سینه و شکم که در مورد این مواضع نیز دلیلی بر حرمت نداریم چون فقیهان اجماع کرده‌اند؛ و با توجه به این که این مسئله مربوط به عرف است، خودداری از نگاه را احتیاط واجب می‌دانیم.

۱۰۴. میزان وجوب پوشش بر زنان

یکی از احکامی که در شرع اسلام صادر شده، وجوب پوشش است. همان طور که می‌دانیم یکی از واجبات نماز نیز پوشش در نماز است که در هر دو باب، میزان پوشش زن و مرد متفاوت است.

در این جا مسئله‌ی میزان پوشش زن در غیر نماز را بررسی می‌کنیم. مرحوم سید یزدی در کتاب الصلوه عروه الوثقی در فصل «ستر و ساتر» آورده است که پوشش بر دو قسم است: یک قسم که همیشه لازم است و قسم دیگر مخصوص نماز است. بر زن واجب است در مقابل نامحرم بدن خود را بپوشاند. در استدلال بر این حکم باید گفت اولاً این حکم از ضروریات دین و فقه است و ثانیاً چند آیه از کتاب شریف الهی و روایت‌های زیادی بر آن دلالت دارد.

۱. آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی نور: «به زنان با ایمان بگو که چشم‌های خود را از نگاه ناروا بپوشانند و از عمل زشت دامن پاک دارند و زینت خود را جز آن چه خود به خود پیداست آشکار نکنند و مقنعه‌های خود را بر روی سینه‌هایشان بیندازند و زینت خود را جز برای شوهران و... آشکار نکنند و چنان پای بر زمین نزنند که زینت‌های پنهانشان معلوم شود».

۲. آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی نور: «و زنان سالخورده‌ای که از ولادت و عادت ماهانه بازنشسته‌اند و امید ازدواج ندارند، بدون آن که آرایش و زینتی داشته باشند می‌توانند روپوش خود را بردارند و اگر در این هم عفت پیشه کنند برای ایشان



بهرتر است و خدا شنوا و آگاه است».

۳. آیه ۳۳ سوره احزاب: «ای زنان پیامبر؛ شما اگر تقوی پیشه کنید، مانند زنان دیگر نیستید؛ پس با ناز و لطافت حرف زنید که افراد بیماردل به طمع افتند، بلکه عادی و متین سخن بگویید».

۴. آیه ۵۴ سوره احزاب می فرماید: «هر گاه چیزی از زنان پیامبر می خواهید، از پس پرده بخواهید برای آن که دل های شما و ایشان پاک بماند؛ این مؤثرتر است».

۵. آیه ۵۹ سوره احزاب: «ای پیامبر، به زنان و دخترانت و زنان مؤمنان بگو خود را با جلباب بپوشانند؛ این لباس برای آن که ایشان به عفت شناخته شوند و مورد آزار و اهانت قرار نگیرند، بهتر است و خدا بخشنده و مهربان است؛

از مجموع این آیه ها به طور اجمال استفاده می شود که هر کردار یا گفتاری که موجب شود نگاه ها متوجه زن شده، شهوت و رغبت مردان را تحریک و ایشان را به سوی او جلب کند، بر زن حرام است و به همین دلیل است که زن می تواند زینت خود را در حضور اطفال و مردانی که به زن نیازی ندارند آشکار کند و زنان باز نشسته می توانند روپوش خود را در حضور نامحرم بردارند چون این موارد موجب تحریک شهوت نمی شود.

در این جا، این نکته ضروری است که بعضی از این آیه ها در مورد زنان پیامبر اکرم (ص) نازل شده و این تنها به این دلیل است که این احکام در مورد ایشان تاکید بیشتری دارد و گرنه اختصاص به ایشان ندارد؛ از جمله آیه های ۳۱ و ۳۰ سوره احزاب.

۱۱-۴. آیه ی زینت

«وَلَا يَدِينُ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» «جز زینت های ظاهری خود را آشکار ن سازند». منظور از زینت در این آیه ممکن است خود زینت یا موضع زینت، یعنی اعضای که زینت در آن ها به کار می رود باشد، ولی در هر دو صورت آشکار کردن موضع زینت حرام است.

«وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (سوره ی نور، آیه ی ۳۱) «خمار» در عرف نام پوششی است که زن سرش را با آن می پوشاند و جمعش «خُمُر» است. این جمله دلالت دارد بر این که پوشیدن سینه و اطراف گردن بر زنان واجب است.

وَلَا يَدِينُ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا: این جمله دلالت دارد بر این که آشکار کردن زینت جز در مقابل زنان و چند گروه از مردان که یا به طور سببی و یا به طور نسبی با زن ارتباط دارند و مردانی که نیازی به زن ندارند، جایز نیست.

کلینی در کافی (ج ۵، ص ۵۲۱) و مسایل الشیعه (ج ۲، ص ۲۰۱) منظور از زینت را در این آیه عضوی که زینت به آن بسته می شود، دانسته است.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنَسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»: آی پیامبر، به زنان و دخترانت و زنان مؤمنان بگو خود را با جلباب خوب بپوشانند؛ و این لباس برای آن که به عفت شناخته شوند و مورد آزار و اهانت قرار نگیرند، بهتر است... راغب اصفهانی «جلابیب» را پیراهن ها و پوشش ها معنی کرده که مفرد آن «جلباب» است. در مجمع البحرین، جلباب پیراهنی است گشادتر از خمار و تنگ تر از ردا که زن بر سر خود می اندازد و تاروی سینه اش می آید و گفته شده جلباب ملحفه و هر چیزی است که پوشش می دهد مانند عبا و امثال آن. از مجموع این کلمات استفاده می شود که جلباب از خمار گشادتر بوده ولی این که تمام بدن را می پوشانده است معلوم نیست.

روایت مرسلی از علی بن ابراهیم در تفسیرش (قمی، ج ۲ ص ۱۰۱) از ابی الجارود از امام باقر (ع) روایت شده که آن حضرت در تفسیر این آیه فرمود: «زینت عبارت است از لباس و سرمه و انگشتر و خضاب دست و دستبند؛ و زینت بر سه قسم است: یک قسم برای مردم، یک قسم برای محارم و یک قسم مخصوص شوهر. زینتی که برای مردم است همان ها است که ذکر شد. زینتی که برای محارم است، جای گردن بند و بالاتر و جای دستبند و پایین تر و جای خلخال و پایین تر از آن است و زینتی که برای شوهر است همه ی بدن است».

تبصره

از مجموع این مطالب این گونه استفاده می شود که هر گفتار یا حرکتی که باعث شود نظرها به سوی زن جلب شود، بر او حرام است. بنابراین، زن در صورتی می تواند دست و صورت خود را بپوشاند که آن ها عاری از آرایش باشند؛ ولی در صورتی که آن ها را به گونه ای آرایش کند که موجب تحریک و رغبت مردان گردد، باز گذاشتن



دست و صورت هم حرام می شود.

۱۲-۴. میزان وجوب پوشش بر مردان

بی شک، پوشیدن عورت بر مردان واجب است و در این حکم هیچ اختلافی نیست، ولی سایر اعضای بدن بر دو قسم است: ۱. اعضای که در عرف اسلامی پوشیدن آن‌ها رسم نیست، مانند سر، صورت و دست‌ها. پوشیدن این اعضا بدون شک واجب نیست. ۲. اعضای که در عرف اسلامی پوشیدن آن‌ها مرسوم است مثل سینه، شکم، ران و امثال آن که از عبارات اصحاب چنین بر می آید که پوشیدن این قسمت‌ها نیز بر مرد واجب نیست. با توجه به حدیثی از امام صادق (ع) که شیخ طوسی با سند خویش در تهذیب (ج ۱، ص ۲۷۴) روایت می کند، فقط پوشیدن عورتین بر مرد واجب است.

خلاصه این که مرد می تواند تمام بدن خود غیر از عورتین، باز بگذارد؛ یعنی پوشیدن سایر اعضای بدن بر او واجب نیست. این حکم برای شرایط عادی است؛ یعنی مربوط به زمانی است که این گونه لباس پوشیدن - اکتفا به مقدار واجب - هیچ مفسده‌ای نداشته باشد. مرحوم سید یزدی در **عروه الوثقی** نوشته است: پوشیدن این مواضع، واجب و باز گذاشتن آن‌ها از باب کمک به گناه حرام است. اما برای اثبات حرمت نپوشیدن این اعضا می توان به این دلیل استدلال کرد که نهی از منکر واجب است و باز گذاشتن این اعضا در مورد مفروض، ترک وظیفه‌ی نهی از منکر به شمار می رود؛ بنابراین، باز گذاشتن آن‌ها حرام است.

۱۳-۴. زناشویی فرضی بین دو نفر نامحرم

این مسئله در کلمات فقها مطرح نشده و از این رواز مسائل مستحدثه به شمار می رود. در مواردی که موضوع فیلم و نمایش با مسائل خانوادگی مربوط می شود، چاره‌ای نیست جز این که دو نفر هنرپیشه نقش زن و شوهر را بازی کنند و در غالب موارد، این دو نفر زن و شوهر حقیقی نیستند. اگر مفسده‌ای بر این فرض مترتب شود یا آن که منشا و مقدمه‌ی حرامی باشد، فرض زناشویی نیز حرام می شود؛ در غیر این صورت، دلیلی بر حرمت آن نداریم.

۵- تشبیه به معصومان (ع)

یکی از معضلاتی که سازندگان فیلم در زمینه‌ی تاریخ و

زندگینامه‌ی پیشوایان اسلام با آن مواجه‌اند، مسئله‌ی تشبیه به معصومان است. برای این مسئله، سه فرض مطرح است: ۱. این که شخص ایفاکننده‌ی نقش یا سازنده‌ی فیلم قصد اهانت به معصومین را داشته باشد؛ ۲. این که کسی قصد اهانت ندارد، ولی ایفای نقش و نشان دادن چهره‌ای غیرمعصوم به جای چهره‌ی معصوم خود به خود موجب اهانت است؛ و ۳. این که شخص نه قصد اهانت داشته باشد و نه ایفای نقش موجب اهانت باشد.

در صورت‌های یکم و دوم، بدون تردید تشبیه به معصوم حرام و بلکه گاهی موجب کفر است. ولی در صورت سوم هیچ دلیلی بر حرمت تشبیه نداریم، بلکه می توان گفت اگر تشبیه به معصوم به قصد اهانت نباشد و خود نیز موجب اهانت نشود، از باب تاسی مستحب است، چرا که در دو آیه‌ی قرآن کریم سوره‌ی احزاب آیه‌ی ۲۱ و سوره‌ی ممتحنه آیه‌ی ۴، به طور صریح بر ضرورت الگوپذیری از معصومان دلالت دارند. بنابراین، اگر کسی به قصد تاسی، حرکات و سکنات خود را مانند یکی از معصومان انجام دهد، بدون شک عملش مستحب و موجب ثواب است و اگر کسی به قصد ترغیب و تشویق مردم به الگوپذیری از زندگی معصومان فیلمی سازد یا نقشی ایفا کند، عملش از تقلید و تاسی شخصی بالاتر و به طریق اولی موجب ثواب است.^۱

نتیجه این که فیلم‌سازی و اجرای نمایش به طور ذاتی ملازمه‌ای با هیچ عمل حرامی ندارد و در صورتی که همراه با مقدمه‌ی حرامی نباشد، هیچ اشکالی ندارد.

۶- تشبیه به جنس مخالف

در مورد تشبیه به جنس مخالف در غیر مورد جنسیت دلیلی بر حرمت در دست نیست. مگر آن که مصداق خواری و تحقیر انسان باشد و پوشیدن لباس شهرت نیز تا زمانی که موجب ذلت و حقارت نباشد، جایز است. بنابراین، تشبیه به جنس مخالف در فیلم و نمایش در صورتی حرام است که موجب ذلت و حقارت باشد.

۷- فیلم و نمایش کم‌دی

کم‌دی به فیلم یا نمایشی گفته می شود که به منظور تفریح



و خنده‌ی بیننده ساخته می‌شود. برای فعالیت کمدی در صورتی که همراه با فعل حرامی نباشد، دلیلی بر حرمت نداریم؛ بلکه می‌توان گفت خندانند و شادکردن مردم عمل مستحبی است که اگر با قصد قربت انجام شود، پاداشی بزرگ دارد.^۲ اگر اجرای نقش کمدی با حرامی چون غیبت و تمسخر و آزار دیگران همراه باشد و نیز اگر اجرای نقش‌های کمدی موجب شود هنرپیشه مضحکه‌ی دیگران شود، از باب اذلال و خوارکردن خود حرام می‌شود، چون بر مسلمان واجب است شخصیت و آبروی خویش را حفظ کند. بنابراین، باید شرایط زمان و مکان و حالات خصوصی اشخاص را سنجید، زیرا ممکن است اجرای نقش کمدی در شرایط خاصی با شخصیت مؤمن منافات داشته باشد ولی در شرایط دیگری منافات نداشته باشد.

یادداشت‌ها

محمدرضا جباران، سینما در آینده‌ی فقه: درس‌های خارج فقه حضرت آیت‌الله مروجی (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، حوزه‌ی هنری، ۱۳۷۸).

۱. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۱.

۲. ر.ک. کافی، ج ۲، ص ۱۸۸ و پس از آن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی